

## از تحرک "دلواپسان" تا فعال شدن دولت پنهان!

اگر بیاد داشته باشیم چندمدت پیش یکی از نمایندگان این طیف در مجلس، حسینیان حامی معروف سعیدامامی از دست اندرکاران اصلی قتل‌های زنجیره‌ای، در سخنانی رسماً شروع فاز جدیدی از فعالیت مخالفان دولت را اعلام داشت که به گفته وی باید آن را پایان رویکرد "تحمل و تسامح" تا کنونی دولت از سوی این جریان و آغاز دوره تازه‌ای از مخالفت خوانی مستقیم با آن دانست.

مدتها پیش رهبر باصطلاح معنوی این جریان، مصباح یزدی، با لحن بی سابقه‌ای دولت را دروغگو و هموارکننده مسیر سکولاریسم و لیبرالیسم خوانده بود. تحرکات تازه این طیف در همین مدت نشان دهنده آن است که آنها همانطور که اعلام کرده بودند، شمشیر را از رو بسته و در تمامی حوزه‌ها نظیر مذاکرات ژنو، که دولت را به تسلیم و سازشکاری متهم می‌کنند، عدم دفاع قاطع از گشت‌های حجاب و عفاف، سست کردن تداوم جویادگانی در دانشگاه‌ها و مخالفت با سیاست‌های آموزش و پرورش و عرصه فرهنگی، عدم برخورد لازم با خطاهای رسانه‌های وابسته به اصلاح‌طلبان و یا شل کردن بندهای فیلترینگ و... نه فقط به افشاگری فعال‌تری روی آورده‌اند بلکه با متهم کردن دولت به ضعف و عقب‌نشینی در مقابل دشمنان و مخالفان نظام، خود مقابله مستقیم روی آورده‌اند. هم‌چنین آنها ضمن برگزاری تجمعات بدون مجوز، در عین حال سرسختانه با هرگونه تجمع و گردهمایی مخالفان خود و نیز حامیان دولت و اصلاح‌طلبان حتی اگر آنها مجوزی هم داشته باشند مخالفت می‌ورزند و فراتر از آن با بسیج چماقداران، این‌گونه تجمعات و مراسم را به هم می‌زنند. ممانعت از سخنرانی‌های رفسنجانی که منجر به کنسل شدن آن شد، و اخیراً تهدید هجوم به سخنرانی حسن خمینی و یا حمله به مراسم که با حضور خاتمی به مناسبت بزرگداشت پدر همسرش در فضای دانشگاهی ترتیب داده شده بود و یا ممانعت از مراسم و تجمعاتی چون سخنرانی احسان شریعتی در یکی از شهرها و در اقصی نقاط کشور و یا دانشگاه‌ها، و اردفاز اقدامات عملی شده‌اند. فیلم من روحانی هستم، برگزاری تجمع علیه بدحجابی مقابل وزارت کشور و یا اعلام تجمع دوم دلواپسان مقابل مجلس، همه و همه بخشی از تحرکات تازه آنهاست. نگاهی به فعال شدن همزمان حلقه‌های گوناگون وابسته به این جریان نظیر حلقه روحانیت، حلقه نمایندگان آنها در مجلس، فعال شدن چماقداران، برگزاری همایش‌ها، از جمله همایش گسترده و پرسرودای "دلواپسیم" در سفارت سابق آمریکا و نگاهی به ترکیب شرکت‌کنندگان در آن، فعال شدن بسیج دانشجویی و بخش باصطلاح رسانه‌ای فرهنگی و هنری وابسته به سپاه... حکایت از هم‌آهنگ شدن آنها از مرکز واحدی دارد. در این میان نقش سپاه و رسانه‌های وابسته به آن در سازماندهی این جریان‌ها برکسی پوشیده نیست. موضع‌گیری‌های اخیر سپاه علیه دولت نظیر صدور بیانیه اعتراضی نسبت به گزارش پی‌آمدهای مخرب تولید بنزین سمی و یا پخش پارازیت در اماکن مسکونی و مشرف به آن و نارضایتی از عدم تخصیص سهمی که در اقتصاد مقاومتی برای خودمی‌طلبند، بازتاب دهنده نارضایتی سپاه از روند امور است. حمله به زندانیان سیاسی را نیز باید بخشی از پروژه امنیتی کردن و تشدید فضای ارباب و اختناق سیاسی توسط این جناح افراطی و باهدف کورکردن مطالبه‌فراگیر آزادی‌زندانان سیاسی به شمار آورد. به‌رحال فعال شدن مجدد دولت موازی و پنهان و اتاق فکر آنها و در مرکز آن سپاه و بسیج را باید یکی از تحولات جدید پس از طی ۹ ماه از روی کار آمدن دولت روحانی دانست.

بزرع نیروهای افراطی و شبه فاشیست وابسته به حاکمیت، اکنون فرصت مناسبی برای عرض اندام آنها و فلج کردن اقداماتی که به مذاق آنها خوش آیند نیست فراهم شده است. ناگفته نماند که عقبه این جریان به نحوی به بیت رهبری وصل می‌شود. چنانکه خامنه‌ای با امتناع از حضور در نمایشگاه کتاب به نحوی نارضایتی خود را از سیر تحولات فرهنگی و اجتماعی (چون برخی مخالفت‌ها با گشت ارشاد و یا برخورد باصطلاح بدحجابان، و یا کاستن از دامنه فیلترینگ و سانسور و...) به نمایش گذاشت و باین ترتیب سیکنال مثبتی برای این جماعت ارسال داشت. البته او پیش‌تر هم در پیام سال جدید در کنار اقتصاد مقاومتی بر تحقق مدیریت جهادی در حوزه فرهنگی و مبارزه علیه رخنه بسیار خطرناک تهاجم فرهنگی انگشت تأکید نهاده بود و حتی فراتر از آن به طور تلویحی نهادهای گوناگون متولی فرهنگی را برای به میدان آمدن و اقدامات موازی و خودسرانه تشویق کرده بود.

اساساً در پی بهم خوردن تعادل مستقر رژیم در پی انباشت بحران چندجانبه، و خوردن جام زهر و عقب‌نشینی قهرمانانه، حاکمیت برای حفظ بقا، سیاست متضاد و دوگانه قبض و بسط در حوزه داخلی (تشدید سرکوب و اختناق) و در حوزه خارجی گشایش مناسبات با قدرت‌های بزرگ در حوزه‌های تحریم نفتی و بانکی فلج‌کننده را در پیش گرفت و بر آن شد که با تلاش مضاعف برای عایق‌بندی بین این دو عرصه، از بهم خوردن بیشتر تعادل خود و یا احیاناً نفس تازه کردن جنبش ضد استبدادی-مذهبی و مطالبات‌ممانعت به عمل آورد.

در تهاجم جدید نیروهای شبه فاشیستی و اقتدارگرا دو نکته را نباید نادیده گرفت:

نخست آنکه نگرانی اصلی آنها نه از دولت بلکه از افزایش روحیه و اعتمادیه نفس مردم و به میدان آمدن مستقیم آنها و فعال شدن کارگران و دانشجویان و زنان و هنرمندان و سایر افسار جامعه است که اساساً با سیاست‌های واپس‌گرایانه و ضد مردمی حاکمیت سرآپاسد و گندیده در تقابلند و در جستجوی آزادی و عدالت اجتماعی می‌باشند، آنانی که انزوایشان در انتخابات گذشته را نیز رقم زدند و در اصل انتقادات و حملات آنها به دولت برای آن است که مبادا

سیاست های کج و دارمیز آنها موجب تقویت صف مستقل شهروندان و نقش آفرینی آنها بشود. آنها تجربه جنبش اعتراضی سال ۸۸ را بخاطر دارند و می دانند که در جامعه مملو از مطالبات معوقه و آکنده از نارضایتی و خشم، از شرکت اعتراضی در انتخابات تا پس گرفتن رأی خود و تا شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه، راه درازی نیست.

نکته دوم آن که دولت کنونی اساسا بدنبال چانه زنی و لابی گری در بالاست، تا ایجاد فضای لازم و تنفسی برای سازمان یابی و حضور فعال مردم و جامعه مدنی. چنانکه عدم صدور مجوز راه پیمایی کارگران در ماه مه امثال و یا عدم صدور مجوز برای همایش و نهادهای مردمی و مستقل و یا ابطال تصمیم های غیرقانونی جناح تندرو در بستن غیرقانونی روزنامه ها (که توقیف روزنامه قانون به بهانه واهی از آخرین آنها بود) حاکی از انفعال و بی عملی دولت است.

واقعیت آن است که در برابر تحریکات عملی باندها و جناح افراطی، دولت روحانی بیشتر به گفتار درمانی توسل جسته است که به هیچ وجه پاسخ گوی تعرض این جناح نیست. انفعال او در برابر حمله به زندانیان سیاسی نمونه بارزی از این رویکرد است. اگر آنها می توانند براحتی همایش هانی چون "دلواپسیم" برگزار کنند، چرا مثلا کانون نویسندگان ایران، هم چون سالیان گذشته، قادر نیست که مجمع علنی و قانونی خود را برگزار کند و یا کارگران و دانشجویان و زنان و ... چرا قادر نیستند همایش های مشابه برگزار نمایند؟ اکثریت مردم ایران هم بطریق اولی حق دارند که دلواپسی های خود را با صدای بلند مطرح سازند، با صدایی چنان بلند که فریاد شبه فاشیست ها در برابر آن حقارت خود را به نمایش بگذارد.

از قضا بهترین شیوه خنثی کردن این توطئه ها فراهم ساختن فضای تنفسی برای برگزاری تجمعات و سازمان یابی نیروهای آزادیخواه و عدالت طلب و حفظ امنیت همایش ها و تجمعات در برابر تهاجم های شبه فاشیست ها است که در متن چنین روندی جامعه سرشار از مطالبات معوقه و انباشته شده می تواند رفته رفته روی پای خود بایستد و خود توطئه های آنها را خنثی کند.

۲۰۱۴-۰۵-۰۸ تقی روزبه